

## تمدن سازي اسلامي ضرورتها و راهكارها

تمدن سازي اسلامي ضرورتها و راهكارها

محمد رضا گُلو - سيد برهان ابراهيمي

تمدن - حضاره - ثقافه - civilisation

تمدن: يعني سبك زندگي مجموعهاي از انسانها كه در يك دوره تاريخي در يك منطقه جغرافيايي زندگي ميكردند و داراي هدف مشتركی بودند و دستاوردهاي خاصي داشتند. يك جامعه بي هدف در تعريف تمدن نميگنجد. تمدن داراي يك معني تركيبی و پيچيده است.

واژه تمدن يا شهريگري يا شهرمان به تلقیهاي گوناگون از حالتهاي جامعه انساني ميبردازد. اشاره به

تکامل و شکلگیری روابط بشری یکی از جنبه‌های رایج این کلمه در زبان ادبی است کلمه تمدن از کلمه شهرنشین بوده و «یا شهروندان civis و شکل وصفی آن civilis مشتق میشود».

تمدن روم قانون افراد غیر نظامی همه روی هم در یک کتاب بزرگ و کامل civilis corpusjuris در سده 16 برای امپراتور روستیان 483 تا 565 پیش از میلاد جمع آوری شده است از سال 1388 کلمه civil به زبان انگلیسی وارد شده و به عنوان شدن به معنی قانونی که مراحل اعمال خیار و قانونی را برای شهروندان انجام میدهد در سال 1704 بکار رفته است. این واژه در سال 1722 با مفهومی نزد یک به واژه تمدن استفاده شده است که مخالف بربریت است.

الحضارة : هي نظام اجتماعي يتعايش فيه مجموعة من الناس يشكلو مع بعضهم البعض حضارة والتي تتألف من أربعة عناصر وهي: النظام الاقتصادي، النظام السياسي، النظام المعيشي والتي تكون طريقة ومبدأ العيش في الحضارة واختلافاتها النظام الثقافي وهي التي تكون بالعلوم والفنون التي شكلتها تلك الحضارة والتي صنعت اشياء واكتشفت امور خلّقتها بعد حضارتها.

الحضارة: هي نظام اجتماعي يعين الإنسان على الزيادة من انتاجه الثقافي ، وانما تتألف الحضارة من عناصر اربعة: الموارد الاقتصادية والنظام السياسية، والتقاليد الخلقية، ومتابعة العلوم والفنون وهي تبدأ حيث ينتهي الاضطراب والقلق لأنه اذا ما أمنَ الإنسان من الخوف ، تحررت في نفسه دوافع التطلع وعوامل الابداع والانشاء وبعدئذ لا تنفك الحوافز الطبيعية تستنهضه للمضي في طريقة إلى فهم الحياة وازدهارها ([1]).

#### گسترش تمدن اسلامی

تمدن اسلامی که از زمان بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) و از سرزمین مجاز آغاز گردید. در کوتاه ترین زمان ممکن به گسترش چشم گیری رسید به گونه ای که از ضلع غربی آن، اندلس، اسپانیا و پرتقال و کرانه های شرقی اقیانوس اطلس از ضلع شرقی آن تا آسیای مرکزی، دیوارهای چین و سیون کیانگ از شمال تا بالکان و از جنوب تا کرانه های اقیانوس هند و آفریقای مرکزی گسترش یافت.

مسلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزه اسلامی به بسط علم، فلسفه هنر و اخلاق و سیاست

پرداختند و از ویرانه های تمدن های پیشین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه ریزی کردند و به جهانیان عرضه داشتند.

بغداد ، قاهره ، قرطبه از مراکز ثقل این تمدن بودند.

علوم و فنون از جهان اسلام به اروپا سرایت کرد([2]).

ذبیح ا[ صفا درباره عظمت تمدن اسلامی می گوید:

تمدن اسلامی به درجهای از عظمت و در مرتبتهای از کمال و پهناوری است که آگهی از همه ایواب و احاطه بر همه انحاء آن به واقع دشوار است و اگر کسی یافته شود که درصدد این ادعا برآید باید به قلت اطلاع و گستاخی وی حکم کرد. مهمترین عنصر از عناصر این تمدن علوم شرعی و عقلی و علمی آن است که به زبان های عربی و فارسی تالیف و تدوین شده است([3]). شهید مطهری نیز در این باره می گوید:.

پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گرد آمدن ملت‌های گوناگون در زیر یک پرچم به نام پرچم اسلام تمدن عظیم و شکوهمند و بسیار کم نظیری به وجود آمد که جامعه شناسی و تاریخ آن را به نام تمدن اسلامی می شناسند.([4]).

دوران طلایی اسلام با عصر شکوفایی و شرق اسلامی بنا بر آثار برجای مانده و نوشته های کهن، قرن چهارم و پنجم هجری و بین میانه قرن هشتم میلادی تا میانه قرن سیزدهم میلادی تعریف می شود([5]).

هنرمندان صنعت گران، فیلسوفان، دانش پژوهان، شاعران، جغرافی دانان، مهندسان، نویسندگان، شیمی دانان، فیزیک دانان، پزشکان، بازرگانان و دیگر دانشمندان جهان اسلام، نقش به سزایی در رشد پیشرفت و تکامل دانش ها و فنونی از قبیل کشاورزی، هنر، اقتصاد، صنعت، حقوق، ادبیات، دریا نوردی، فلسف، شیمی، فیزیک جامعه شناسی، پزشکی و غیره ایفاد کردند.

یکی از دلایل رشد و شکوفایی اروپا در قرون وسطی، بهره گیری آنان از کتاب های دوران طلایی اسلام بود.

مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند: وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه ای برساند که بتواند به عنوان یک ملت مسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد این بزرگترین

تبلیغ اسلام است و ملت های دیگر هم روانه ی همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه ی عزت و مایه ی ترویج اسلام در سراسر جهان است اتفاق خواهد افتاد. آن مدنیت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیت مادی، گمراه کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقق پیدا خواهد کرد. مقدمه اش اینجاست مقدمه اش این است که ما ملت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم خب همه باید همت کنند همه مسئولین باید همت کنند همه آحاد مردم باید همت کنند. این قضیه قضیه یک سال و دو سال نیست قضیه بلند مدت است.

زمان میبرد کما اینکه در تمدن اسلامی اگر شما نگاه کنید می بینید اوج تمدن اسلامی در قرن های چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان، علما، محققین، فلاسفه و دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند. بسیاری از این پیشرفت های امروز غربی ها مرهون آن حرکت است خب امروز البته سرعت ما بیشتر خواهد بود ما سریع تر انشاء الله به آن نتیجه خواهیم رسید. لکن بالاخره زمان پر است ([6]).

ایشان در فرمایش دیگری در مورد تبیین و توضیح تمدن اسلامی و ارزش های آن توسط سازمان های همچون مجموعه التقریب بین المذاهب الاسلامیه و همچنین نقش مهم علماء و دانشمندان اسلامی در این زمینه می فرماید: امروز نوبت ما است و امروز نوبت اسلام است «و تلك الايام ندوالها بين الناس» امروز نوبت مسلمین است که با همت خود تمدن اسلامی ما را شالوده ریزی کنند همچنان که اروپایی ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند ما هم امروز از دانش جهان استفاده می کنیم از ابزارهای موجود جهانی استفاده می کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت این وظیفه امروز ما است این عمدتاً خطاب به علمای دین و روشنفکران راستین است: بنده دیگر چندان امیدي به سیاست مداران ندارم. قبلا تصور می شد که سیاست مداران دنیای اسلام در این راه بتوانند کمک کنند اما متأسفانه این امید ضعیف شده است امروز امید ما به علمای دینی در سراسر دنیای اسلام و به روشنفکران راستین است که غرب قبله ی خودشان ندانند، امید به آن است این کار شدنی است این کار عملی است، دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد ما جمعیت خوبی داریم، سرزمین های خوبی داریم، موقعیت جغرافیای برجسته ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل بار بیاوریم می توانند آفرینش های هنرمندانه ی خودشان را در عرصه ی علم، در عرصه ی سیاست در عرصه ی فناوری و در عرصه های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند ([7]).

ایشان همچنین با توجه به نقش اقوام و مذاهب مختلف در تشکیل تمدن اسلامی می فرمایند:

ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد دارای یک هدف، دارای یک مسیرند بلکه ممکن است زیان‌ها مختلف باشد. مذهب مختلف باشد اما (هدف عالی این ملت یکسان است. همه می‌خواهند ایران عزیز را به عنوان الگویی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگویی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند نه این‌ها هایت اینها معنویت است اما در کنار طرف این معنویت پیشرفت مادی هست رشد علمی هست اینها معنویت است.

اما در کنار این معنویت پیشرفت مادی هست رشد علمی هست توسعه‌ی عدالت هست کم‌شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری هست خصوصیت جامعه‌ی اسلامی اینهاست. آن وقت در یک چنین جامعه‌ی مردم‌خوشبختند احساس امنیت می‌کنند به سمت اهداف عالی‌ی خود پیش می‌روند خدا را عبادت می‌کنند پیشرفت دنیوی هم نصیب آن‌ها می‌شود ملت ایران دنبال یک چنین جامعه‌ی استو همه این را می‌خواهند؛ شیعه و سنی ندارد. کرد و بلوچ و فارسی و ترک ندارد. همه دنبال این هستند خوب این می‌شود یک الگو، وقتی الگو شد وقتی نمونه‌سازی شد. آن وقت ملت‌های دیگر مسلمان هم راه را پیدا می‌کنند ([8]).

عده زیادی از اندیشمندان مسلمان علاوه بر اصول ارزشی خود عقاید و دانش اخلاق متفکرین گذشته را که بر پایه اصول بشر دوستانه عقلانی و مباحثات علمی ..... نیاه شده بود پی‌گیری کرده و آن‌ها را مبنای پژوهش‌های خودشان قرار دادند آثار زیادی از نوشته‌جات و کتاب‌های اسلامی از قرون میانه اسلامی بر جای مانده است که به موضوعاتی نظیر شعر، عشق، تاریخ، فلسفه ادبیات و خداشناسی پرداخته‌اند. مروری بر این آثار آزادی‌اندیشه‌های متفاوت را در آن عصر ارزش‌های اسلامی بودند کمک بزرگی در توسعه ارتباطات ادیان و اختلاط فرهنگ و خود مسیحی یهودی و اسلام کرد و این آغازگر یک دوره جدید فلسفی و فکری در سده‌های میانی یعنی قرن هشتم تا سیزدهم میلادی بود دلیل دیگری که باعث رشد جهان اسلام در این برهه زمانی شد آزادی بیان و سخنوری بود ([9]).

از میان اندیشمندان به نام جهان‌اسلامی می‌توان از بزرگان‌ی همچون ابوریحان بیرونی، جاحظ، ابو یوسف کندی، ابن سینا، شریف ادریس ابن باجه، ابن زهره ابوه طفیل ابن رشد، جلال الدین سیوطی، جابر ابن حیان، عباس ابو فرناس، ابن هیثم، ابن نفیس، ابن خلدون، محمد موسی خوارزمی، علی ابن حسین مسعودی، مقدسی، بدیع الزمان جزری، فخر رازی، امام غزالی را می‌توان نام برد که ستارگان‌ی در آسمان درخشان شکوفایی و درخشش تمدن اسلامی بوده‌اند ([10]).

برنار دلویس در این باره می‌گوید:

درجهان اسلام در موارد اضطرار، مسلمانان بارها این تمایل را نشان داده اند که در قالب یک وحدت دینی هویت بنیادین و ایمان خود را باز یا بند یعنی هویتی که نه با معیارهای قومی یا سرزمینی بلکه به وسیله دین اسلام تعریف شده است([11]).

همچنین گوستا ولو بون در کتاب ارزشمند تاریخ تمدن اسلام و عرب مینویسد شکی نسبت که اقوام زیادی بر ممالک مشرق استیلا یافته اند.

ایرانی یونانی رومی و غیر آن ها در ازمنه مختلفه سلطنت نموده اند. راست است که اقتدار و نفوذ سیاسی و عسکری آنان همیشه به سرحد کمال بوده است ولی تاثیرات تمدنی آن ها عموماً ضعیف و غیر از همان شهرهای که مرکز اقامت و پایتخت آنها بود هیچ وقت نتوانستند که مذهب و زبان یا علوم و فنونی خود را در اقوام مغلوبه منتشر سازند. مملکت مصر در عصر خاندان بطلمیوس بنا نموده اسلوب و سبک معماری فراعنه مصر بوده و نتایج را که ایرانی و یونانی و رومی در مشرق نتوانستند حاصل کنند مسلمین با قدم سریعی بدون اجبار حاصل نمودند([12]).

وی همچنین اشاره می کند:

اگر چه از چندین قرن است که خلافت عرب دست خوش فنا و زوال گشته لکن این وقت هم از اقیانوس اطلس تا رود سند و از دریای مدیترانه تا صحرای آفریقا یک مذهب و یک زبان حکم فرماست و آن مذهب و زبان پیامبر اسلام(ص) می باشد.

نفوذ مزبور در ممالک شرق منحصر به زبان و مذهب و صنایع نبوده بلکه در علوم و ادبیات هم تاثیر نمایانی بخشیده چنانکه به وسیله روابطی که همیشه با هند و چین داشتند علوم را در آن ممالک انتشار دادند که اهل اروپا آن علوم را به اهل هند و چین نسبت می دهند([13]).

روشن است در مطالعه تمدن و تاریخ اسلامی صرف نظر از ماهیت حوادثی که مورد بررسی قرار می گیرد.

باید پیش از هر چیز در پی تداومی بود که مانع از پیدایش وقفه هایی مشخصی در مسیر رویدادها می شود اما از سوی دیگر تأخیرها و تعجیل های حوادث و تغییر جهت ها و مسیر گزینی ها و شدت آن ها ما را رهنمون می شود تا در صدد تعیین دوره های برآیم که هر یک به سبب جنبه خاص خود متمایز است به همین علت است که حتی مجبور می شویم گسستگی هایی را در مقاطع زمانی که به نظر ما متمایز کننده چرخش در

حوادث تاریخی مورد مطالعه اند را مشخص سازیم.

با توجه به آنچه گفته شد در مسیر پر پیچ و خم و فراز و نشیب تمدن درخشان اسلامی گسست‌ها و گسل‌های متعددی پیدا شده که توانسته برای مدت زمانی محدودی مانع گردش این تمدن گردد اما این جریان قدرتمند و فرهنگی با استفاده از انرژی معنوی و الهی خود این موانع را از راه برداشته و به راه خود که همان راه خدا و پیامبر او(ص) و ائمه اطهار علیهم السلام بوده ادامه داده و اینک جهان بار دیگر در پی کشف شناسایی و پذیرش ارزش‌های مادی و معنوی این تمدن بزرگ و الهی است.

آلدومیه لی در این باره می‌گوید:

پیامبر اسلام(ص) بهره‌مند از آن نیرویی والایی بود که دارنده خود را بر توده‌ها مسلط می‌سازد. نیرویی که خاص افرادی است که دست تقدیر آنان را برای اعمال تاثیرگذاری قاطع بر انسان‌ها برگزیده است بدین گونه بود که از نخستین وحی الهی مبنی بر فرمان به اعتقاد به [ ] یعنی خداوند یکتا، آفریننده و مالک یگانه جهان، حادثه‌ای که زمان آن را می‌توان سال و هم پیش از هجرت دانست. پیامبر(ص) نه تنها به دعوت مردمان جامعه کوچک مکه بلکه مردمان شهر پیامبر یعنی مدینه النبیه(یثرب قدیم) و همچنین برخی از مردمان شهرهای پراکنده عربی چه مسیحی و چه یهودی پرداخت پیامبر(ص) به زودی موفق شد که در بین آنها وحدتی بی‌مانند پدید آورد وحدتی ناشی از شوق و شوری عجیب که در نمازها و یا در میدان‌های جنگ متجلی می‌شد.

به دنبال پیامبر(ص) و جانشینان او یعنی خلفا وزیر فشار تمایلی شدید برای اشاعه دینی و به دست آوردن غنائم از کشورهای ثروتمند که خارج از مرزهای صحاری آنها قرار داشت به نفع امت اسلامی، پا از شبه جزیره عربستان بیرون نهادند و اسلام، یا سیطره اسلامی را بر بخش عظیمی از جهان متمدن عهد باستان مسلط ساختند([14]).

در دوره زمانی و برهه خاصی که اکنون ما مسلمانان در آن قرار گرفته ایم مسلمین پس از پشت گذاشتن دوران استعمارگری قدیم و تجربه استعمار جدید با استفاده از آموزه‌ها و هدایت‌های دینی و معنوی و استفاده از رهنمودهای عالمان و روشنفکران دینی

والهام گرفتن از انقلاب شکوهمند اسلام در ایران و نهضت‌های مختلفی که در گوشه و کنار جهان و اسلام یا نام بیداری اسلامی و یا بهار عربی به راه و روحیه‌های عالی و قدرتمند وضعیت مناسب جدید را برای

شکوفایی تمدن بی نظیر اسلامی را به وجود آورده‌اند.

و می‌توان ادعا کرد که جهان به زودی زاینده و تولید کننده حرکت و معنویتی خواهد بود که انرژی خود را از قدرت لایزال الهی و آموزه‌های فرهنگی اخلاقی و اجتماعی دین مبین اسلام گرفته است.

آنچه امروز تا حدی توانسته مانع رشد و پیشرفت سریع این حرکت و جنبشی معنوی و تمدنی گردد. وجود گروه‌های تندرو، افراطی متعصب، و تمدن‌گریز و علم‌گریز و ضد دینی است که خود را در پوشش اسلام خواهی سلفی‌گری و مبارزه طلبی پنهان ساخته‌اند و با اعمال جنایت کارانه و حشیگری، قتل و آدم‌کشی، تخریب اماکن فرهنگی و تاریخی مربوط به مسلمانان و دیگر جوامع پیش‌گرفته‌اند که چهره تمدن اسلامی و مسلمانان دو را در نزد ملت تند و خشن بعضی از گروه‌ها در کشورها غیر اسلامی نسبت به مسلمانان ساکن آن کشورها گردیده است.

اینک به مسائل و عوامل کند شدن، بازدارندگی و گسترش تمدن اسلامی به ملت رفتارها و بدبینی غیر مسلمانان به دین و تمدن اسلامی می‌پردازیم: یکی از بزرگترین این عوامل اندیشه و افکاری است که به نام سلفیه خود را عرضه کرد.

سلفیه در تاریخ فرهنگ اسلامی لقبی معروف برای کسانی است که عقایدشان را به احمد ابن حنبل (241هـ) منسوب می‌گردانند (بلیغ ابو زهره 311) روزگار احمد بن حنبل مصادف بود با شکل‌گیری عصر اول عباسیان (132 - 1232هـ) پیدایش حرکت‌های دینی و سیاسی ([15]).

بلندگی برخی از علوم اسلامی و نهفت ترجمه ([16]).

اندیشه‌های سلفیه در قرن هفتم با طرح مسائل کلامی بی‌سابقه از سوی ابن تیمیه (661 - 728هـ) و شاگردش ابن قیم جوزی (691 - 751هـ) و در قرن دوازدهم از سوی محمد ابن عبدالوهاب (1111 - 1306هـ) احیا گردید، ([17])، ([18]).

مهمترین آراء و عقاید سلفیه عبارت است از:

1 - تبعیت و پیروی از سلف صالح: سلف صالح از نظر ایشان محدود به صحابه و تابعین یا پیروان ایشان می‌شود.



این در حالی است که سلفیان جدید، مرز زمانی و عقیدتی صحابه و تابعین را شکسته و افکار خود را بیشتر به افکار و آرای ابن حنبل و ابن تیمیه مستند ساختهاوند، اعاده خلافت اسلامی از پیامد های اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف است ([19]).

2- تاکید بر نقل و مخالفت با علم و دانش جدید.

آنان منقولات دینی و احکام شرعی را براداده های علمی و عقلی مقدم میدارند. علم و عقل هنگامی مفید است که در جهت شرع باشند. علوم مختلف باید انسان را برای آخرت و انجام امور معنوی آماده کند از این جهت عقل بشری فتنه اند زیرا انسان را از خدایی نیاز میکنند ([20]).

3- تمسک به ظواهر نصوص قرآن و سنت:

سلفیان جدید با تکیه بر معانی ظاهری متون دینی و فارغ از هرگونه تفسیر و تأویلی به توجیه فعالیتها، احکام شرعی و تکالیف خود میپردازند صالح ثریه میگوید:

میتوان به اسلام حقیقی بازگشت مگر با رجوع به قرآن، و حدیث نبوی کتاب و سنت به شعاری بی معنا تبدیل شده است. زیرا افرادی که این شعار را میشناسند کاملاً از سنت غفلت کرده اند. ما ناچاریم کتاب و سنت را در کنار هم مطالعه کنیم و سیره را به عنوان الگو آموزش دهیم ([21]).

4- توسعه معنای و مصداقی شرک و کفر:

شرک و کفر نزد سلفیان قدیم: بیشتر گونهای از عبادات و عقاید فردی بود مثل توسل به اولیاء، نذر، شفاعت، زیارت قبولی، ولی شریک و کفری که سلفیان جدید به آن معتقدند و از آن به کفر جدید» تعبیر میکنند همه شؤون زندگی اجتماعی و مدنی شخصی را در برمیگیرد.

آنان آراء فلسفی، عضویت در احزاب سیاسی، اشتغال در ادارت و سازمانهای دولتی مراسم و آیینهای مذهبی و دیپلماتیک را از مصداق شرک میدانند ([22]).

5- تأکید بر اصل جهاد

رساله الفريضة الغائبه پرشورترین آرای جهادي ابن تیمیه و عبدالسلام فرج را در خود دارد. این رساله که با تأکید بر اهمیت جهاد و نقل احادیثی با مضمون فتح و پیروزی اسلام آغاز میشود. سعی دارد مؤمنان را به بازگشت اسلام در عصر کنونی بشارت دهد. عبدالسلام فرج میگوید با وجود تأکیدات فراوان قرآن بر «اقامه دولت اسلامی» اجرای این تکالیف الهی به فراموشی سپرده شده است و از آنجا که اجرای احکام الهی بر مسلمانان واجب است اقامه دولت اسلامی نیز واجب خواهد بود پس اگر اقامه دولت اسلامی راهی جز جهاد و قتالی نداشته باشد جهاد بر مسلمین واجب میشود ([23]).

القاعده: از 11 سپتامبر 2001 مبارزه القاعده شروع و در سال 2003 با ظهور زرقاوی در جنگ عراق شدت گرفت در سالهای 2006 و 2007 در عراق درگیریهای مذهبی به وجود آمد و در سال 2009 نیز با ورود شبکههای ماهواره‌های درگیریهای مذهبی به وجود آمد و در سال 2009 نیز با دور شبکههای ماهواره‌های تفکیری نمان تکفیریه‌های عرب زبان به صحنه دوره جدیدی در جریانات تکفیری به وجود آمده پس از آن تقریباً دوره سکوت نسبی را شاهد بودیم تا در سال 2013 به ویژه با آغاز درگیریهایی که میان امت اسلامی و داعش به وجود آمد وارد مرحله جدیدی از فعالیت‌های القاعده و انشعابات آن میشویم. ([24]).

زرقاوی در اواخر سال 2005 و اوایل سال 2006 «مجلس شورای مجاهدین» در عراق را تشکیل داد این مجلس به رهبری شهروندی عراقی به نام «عبدالله رشید البغدادی» که از اسم و شخصیت آن پیداست که مستعار است اداره میشود.

در سال 2006 سه اتفاق مهم در حوزه گروه‌های افراطگرا رخ داده حادثه نخست کشته شدن ابو مصعب الزرقاوی نایب رئیس مجلس شورای مجاهدین عراق بود.

حادثه دوم تشکیل «حلف المطیبین» در سپتامبر 2006 بود.

حادثه سوم در ماه بعد رخ داد و آن تأسیس دولت اسلامی عراق به رهبری «ابو عمر البغدادی» با نام واقعی «حامد الراوی» بود.

این گروه نیز ادامه دهنده روش‌های زرقاوی بود. ضد دولت عراق و نیروهای آمریکایی.

و در راستای جنگ مذهبی و طایفه‌های حرکت می‌کرد علاوه بر شیعیان اهل سنت مخالف را نیز هدف قرار میداد. تا اینکه شوراهای بیداری علیه این گروه تشکیل شد و به قدری تضعیف شد که به دنبال ایجاد

محیطهای مخالف با آن اندیشه تند رو تا مرز فروپاشی پیش رفت در سال 2008 فعالیت آن رویه پایان بود تا اینکه در سال 2010 ابو عمر البغدادي رهبر گروه و معاونش «ابو حمزه المهاجر» رهبر القاعده عراق کشته شدند. ([25]).

پس از آن رهبري سازمان دولت اسلامي به دست «ابراهيم عواد علي ابراهيم البدري الحسني» يا همان ابو بكر بغدادي افتاد.

آنان اقدام به ترویج منازعه، مبتنی بر مذهب و قومیت کردند و پس از در اختیار گرفتن سلاح و مهمات در سوریه بخشی از آنها را به عراق منتقل کردند و توانشان دهها برابر افزایش یافت این يك جهش بزرگ منحصر به فرد در گروه بود گروه در سطح مالي و نظامي به امکانات زيادي دست يافته بود به ویژه اينکه تعدادي از چاههاي نفتي عراق و سوریه را در اختيار گرفته بود پیش بيني میشود نفوذ این گروه در کشورهای دیگر وصف بندي و يارگيري مذهبي فتنههاي جديد را براي منطقه و جهان به دنبال داشته باشد.

از سوي دیگر به دليل وضعيتي که اکنون بعض از کشورهای اسلامي يا عربي با افزایش فشارهاي اقتصادي، سرکوب، فساد، فقدان آزادي، احترام نگذاشتن به نظر صاحب نظران، به حاشیه رانده شدن در تقسیم مناصب دولتي جوانان این کشورها بدون داشتن دانش شرعي و دين علاقه‌مند به اجرايي شدن احکام ديني هستند. و این مسئله باعث گرایش بعضي از جوانان مسلمان به عضویت در گروه دولت اسلامي شده است.

بايد اذعان داشت که: آینده منوط به حوادث و متغیرها است. ([26]).

گرچه گروهی القاعده را يك ارتش اعتقادي دانسته و در عقاید خود بسیار پایبند میدانند اما تندروي، غلو، تکفیر، ترور، هدف قراردادن مخالفان، برداشت يك جانبه از اسلام باعث تضعیف آنان او خواهد شد.

هسته مرکزی و شاخه‌های القاعده.

هسته مرکزی: اعضای جهاد جهانی که در سال 2001 حملات 11 سپتامبر را در نیویورک و واشنگتن ترتیب داده بود. و توانستند جان سالم به در ببرند اسامه بن لادن در اواخر 1980 این گروه را تأسیس کرد. رهبران گروه پس از عملیاتهای افغانستان در سال 2001 متفرق شدند و در پاکستان و افغانستان پناه گرفتند. ([27]).

القاعده در مغرب اسلامي؛ گروهی مسلح که در کشور مالی در شمال آفریقا تشکیل شده است و به طور عمده جنگ جویانی از الجزایر و مالی دارد در اصل به عنوان GSPC تاسیس شده است رهبر آن «حسن خطاب» از الجزایر است رهبر محلی ابو مصعب عبد الداود است. (جدال در توحش - حسین میرنظوی)

که يك جنگ جوي كهنه كار عرب افغان به نام مختار بلمختار وابسته به Aqim را در جنوب به راه انداخت عملیات این گروه علیه نیروهای مالی و الجزایر ، سیلی از اعضای جدید خارجی مثل برخی افراد مشهور بین المللی را برای گروه به ارمغان آورد.

القاعده در عراق: يك گروه تندرو تكفيري كه پس از حمله آمريكا به عراق در سال 2003 در نتیجه شورش ضد آمريكايي به وجود آمد AQI بر دنبال این بود که نیروهای آمريكايي را از عراق بیرون راند و به گفته خود دولت اسلامي را تاسیس کند. ([28]).

اما شهرت این گروه به دلیل خون ریز بودن آنهاست مثل کشتن بی رویه شهروندان عراقی که باعث شده حامیانی در میان مسلمانان معمولی در جهان پیدا کند رهبر آن به نام ابو مصعب الزرقاوی تا پیش از مرگش در آمریکا در سال 2006 در يك حمله موشکي این گروه را رهبري میکرد و در به راه اندازی جبهه النصره همکاری زیادی را داشت.

القاعده در شبه جزیره عربستان: يك گروه افراطي است که در یمن پایه ریزی شد این گروه از ادغام القاعده در عربستان و یمن تشکیل میشود. ([29]).

در پی به دست آوردن جایگاهی در یمن است از جمله حرکات آن عملیات علیه آمریکا در 25 دسامبر 2009 بود که تلاش کردند بمبی را در هواپیمای مسافربری دیترویت منفجر کنند «انور عولقی» رهبر این گروه بود که يك شهروند آمريكايي بود .

الشباب: این گروه در سومالی مرکزی و جنوب پایه ریزی شد این گروه يك گروه سازمان یافته آزاد است که اعضای آن از ناهمگونی قبایل شرق آفریقا مثل جوامع مهاجر سومالی در آمریکا و اروپا استقبال میکند رهبر آن «شیخ مختار علي زين» و «احمد عبدي محمد» ادعا دارند که با القاعده در ارتباط هستند این گروه از سال 2011 پس از بیرون رانده شدن از مگادیشو و چند زایالتی بسیاری از پایگاههای جغرافیایی خود را از دست داده است ([30]).

4- جامعه الاسلامیه: این گروه يك گروه تروريستي باشالوده اندونزيایي است که نام آن به معني انجمن اسلامي است و در جنوب شرق آسيا به بسياري از حملات خبر ساز عليه اهداف غربي مرتبط بوده که مهمترين آن بمبگذاري سال 2003 در يك کلوپ شبانه در جزيره بالي اندونزي است که بیش از 200 کشته بر جاي گذاشت رهبر آن را «اريس سومار سونو» يك فرمانده عملياتي که با نام جنگي ذو القرنين شناخته ميشود.

از عقايد سخي و غير انساني گروههاي تکفيري اين است که ميگويند «هر کس کافر را تکفير ننمايد خود او هم کافر است» آنان به مردم بيگناه حمله ميکنند و آن دو را قتل عام مينمايند و استدلال ميکنند که آنان شهروندان جامعههاي کافر هستند که حدود خداوند را رعايت نميکنند مهمترين گروههاي تروريستي که مقرر آنها در سينا است عبارتند از: ([31]).

گروه تکفير و هجرت ، سازمان پرچمهاي سپاه ، سازمان سلفيت جهادي سازمان انصار الجهاد ، سازمان مجلس شوراي مجاهدين ، گروه توحيد و جهاد) پديده تکفير پديده اين است که در صورت اطلاق برهرامري، هر اقدامي را در باره آن مباح و جايز ميسازد مانند قتل شکنجه، تجاوز.

تکفير يکي از شومترين پديدههاي است که جهان اسلام با آن مواجه است. زيرا فرد تکفيري فردي: سطحي نگر است و هر اختلاف نظر بين خود و ديگران را کفر قلمداد ميکند و تفکري است تجزيه گرا که عامل تفرقه است نه اتحاد، تکه تکه ميکند نه ترکيب. ([32]).

و در عين حال اعمال جنايت کارانه خود را مشروع دانسته و خود را رحمتي از سوي خدا ميداند. گروههاي تکفيري تهديد کننده و تخریب کننده و جه دين آسماني اسلام ميباشند و تهديدي خطرناک براي خاور ميانه ميباشند.

همچنين اين گروههاي تکفيري استقلال دولتها و ملتهاي منطقه را هدف قرار داده و با به خطر انداختهاند و به تهديدي براي همگان تبديل شدهاند. ([33]).

تکفير و تروريسم به دليل داشتن خشونت و ويرانگري در بطن خود شتاب حرکت و در آمدهاي اقتصادي را تهديد ميکنند. علاوه بر اين به خطري براي ارزشهاي داخلي، رفاه اقتصادي و توسعه به عنوان جوهره امنيت تبديل شدهاند. زيرا تهديد کننده ثباتي به عنوان عامل اصلي جريان توسعه است. و با به چالش کشاندن ابهت و احترام و جا يگاه حاکميت و فروپاشي نظم اجتماعي و صلح و همزيستي داخلي محدوديتي براي توانايي دولت در عرصه بين المللي است و بر همه عناصر قدرت ساز دولت تأثير بسياري ميگذارد.

تروریسم ابزاری بود که اسرائیل را شکل داد. و تبدیل به ابزار قدرتهای سلطه جو ضد مسلمانان گردید.

تروریسم: در تلاش است تا به تحریک فرقه‌گرایی و ایجاد تنش میان کشورها و تقسیم بندی مذهبی آنها در چارچوب سنی و شیعه و دیگر مذاهب اسلامی پردازد.

تروریسم: دین را به عنوان نقاب و پوششی برای سیاست قراردادده است و در وراء آن مجری سیاستها و برنامه‌های استعماری دول سلطه جو برای تضعیف اسلام و مسلمانان میباشد.

اندیشه تکفیر: فکری عقب مانده و سلفی و عقب‌گردی تاریخی است که با اهداف مشکوک به دنبال بازگرداندن عقربههای زمان به سمت گذشته است تا امنیت و ثبات منطقه و رشد و شکوفایی تمدن اسلامی و عزت و اقتدار مسلمانان را تهدید نماید. ([34]).

تکفیر: جریانی است در مقابل جبهه مقاومت که فرایندی است برای مقابله با نظام سلطه، از آن جایی که ایران به عنوان محور اصلی جبهه مقاومت در خاورمیانه عربی آسیای جنوب غربی، و شمال آفریقا تلقی میشود. گروه‌های تکفیری نقش مقابله‌گرا با اندیشه‌های سیاسی و الگوهای راهبردی ایران اسلامی را در دستور کار قرار داده‌اند.

جریان تکفیر: یا از میان بردن آثار و ابنیه تاریخی و فرهنگی مسلمانان و عرب و دیگر ملتها تلاش میکند جامعه‌های بدون پیشینه فرهنگی و براساس آموزه‌ها و برداشتهای خود از ایدئولوژی تکفیری بنا نماید.

آنها دو براساس آموزه‌های و هابی و تکفیری خود از ابن تیمیه و بو مصعب زرقاوی هرگونه بقاع متبرکه را بدعت در دین میدانند و اقدام به تخریب آن میکنند. ([35]).

آنان در حالی که نعلین چرمی و کلاه عبدالعزیز، مؤسس حکومت آل سعود را در محفظه‌های تزئین شده نگه داری میکنند. و متبرک میدانند، به تخریب قبور ائمه علیه السلام بقیع و آثار تاریخی با میان در افغانستان تخریب قبور صالحین، اصحاب و علمای مورد احترام اهل سنت مینمایند.

آنان پس از تصرف شهر موصل که یکی از شهرهای تاریخی جهان با آثار گسترده و متنوع فرهنگی و باستانی میباشد. مرقد حضرت شیث (ع) جرجیس نبی(ع) و بارگاه مقدس حضرت یونس نبی را به وسیله بمب تخریب

کردند.

ونماد. نهمد ساله شهر موصل در عراق را تخریب کردند که به دلیل داشتن انحنای به «مناره الحدباء» معروف بود.

تنها در يك اقدام پنجاه قبر در گورستان السعديه در شمال شرق بعقوبه را با استفاده از بلدوزر تخریب کردند مقبره «سلطان عبدالقادر ابن عاصم ابن عمر بن خطاب» که زیارتگاه اهل سنت بود را تخریب نمودند. و مزار احمد الرفاعي یکی از مشایخ صوفیه را تخریب نمودند. ([36]).

علل تشکیل و گسترش نیروهای تروریستی در چند بند کلام کرد که عبارتند از:

1 - مقابله با راهبرد تمدن سازی اسلامی.

2- اداره گروههای تکفیری توسط قدرتهای بزرگ.

3- مقابله با رشد گرایش به اسلام .

4- اسلام هراسی

5- مبارزه با جمهوری اسلامی.

6- شیوه راهبردی که غربیها از آن برای فروپاشی امپراطوری عثمانی استفاده کردند و اکنون دو باره آن را تجربه میکنند.

7- فتنهگری در منطقه.

8- ایجاد تفرقه و نزاع و کشمکشهای فرقه‌ای میان مسلمانان.

در پایان متذکر میگردم غرب به ویژه امریکا و اسرائیل تلاش میکنند تروریسم و مقاومت مشروع را یکی دانسته و مقاومت جانانه مردم فلسطین ، حماس و مقاومت لبنان و حزب الله را به عنوان حرکت و جریان

ترویستی به جهانیان معرفی نمایند نصر حامد ابوزید در این باره میگوید:

کنار هم نهادن مقاومت فلسطین، حماس، و مقاومت لبنان حزب الله و حکومت‌های ایران و سوریه در يك سید که تروریسم نام دارد و کنار همه قراردادن هم‌های اینها کنار «القاعده» نشان از طرحی هراس آور دارد که باید از آن حذر کرد([37]).

لذا شرکت کنندگان فرهیخته و اندیشمندان ارجمند را به این مسئله مهم و اساسی متوجه می‌سازم که زیرکی و هوشیاری یکی از خصوصیات و ویژگی‌های مؤمنین و متقین بوده و باید با درک درست و تفکیک مسائل مختلفی که در جهان اسلام در حال انجام است، واقعیتها را به گونه‌ای برای جوامع اسلامی بیان نمود که دشمنان نتوانند کیاست و سیاست و شعور و عقلانیت ما را به مسخره بگیرند. همچنین لازم می‌بینیم پیشنهادهای را مطرح نمایم که امیدوارم بتواند ما را در گرفتن تصمیم درست و عملکرد مناسب در وضعیت کنونی یاری نماید.

1 - مطالعه هرچه بیشتر موقعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی جهان اسلام.

2- آشنایی با نقشها و برنامه‌های استعماری دشمنان اسلام جهت سیطره بر منابع مادی و معنوی مسلمانان

3- مبارزه علمی، فکری، فرهنگی و در صورت نیاز نظامی با جریان‌های تروریستی و تکفیری که سعی در برنامه کردن چهره رحمانی اسلام را داشته و عامل برای نقشه‌های استعمارگران گردیده‌اند.

4- توجه دادن، روشنفکران، دانشجویان، جوانان جویای حقیقت به موقعیت تاریخی و تمدنیشان و تشویق آنان به علم آموزی و پیدا کردن جایگاهشان در دنیای جدید.

5- مدارا، عدم تعرضی، عدم توهین، احترام و تکریم پیروان ادیان و مذاهب نسبت به همدیگر و همچنین در خلقت نسبت به همه انسانها که بنابه تغییر امیر المؤمنین یا برادران دینی آنان و یا در خلقت انسانهای همانند آنان ما باشند.

6- متذکر شدن آیات و احادیثی که مبنای فضیلت و امتیاز انسانها را تقوای الهی و خدمت به بشریت قرارداده‌اند. همچون آیه 13 - - سوره مبارکه حجرات و نامه معروف حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر



- 7- تبیین و تشریح مفهوم امت اسلامی و اخوت اسلامی و تلاش جهت کاربردی کردن این مفهوم ارزشمند متعالی.
- 8- یاری رساندن به مسلمانان محرومین و گرفتاران در دست ظالمان و غاصبانی همچون اسرائیل و گروههای ترویستی و تکفیری.
- 9- تعاون و همکاری مثبت میان دولتها و ملتهای اسلامی.
- 10- استفاده از منابع مادی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و علمی جهان اسلام برای استقرار و گسترش تمدن اسلامی.
- 11- پرهیز از منازعات، کشمکشها و جنگهای که مسلمانان و نیروهای آنان را تضعیف کرده و در نهایت به تقویت جبهه کفر و استکبار میانجامد.
- 12- برگزاری مستمر جلسات، کنفرانسها و نشستهای علمی و پژوهشی در سطوح مختلف و در میان اقشار مختلف تحصیل کرده، روشنفکر و عالمان جهان اسلام.
- 13- همزیستی مسالمت آمیز میان مسلمانان دیگر پیروان ادیان و اندیشههای دیگر با در نظر گرفتن: کرامت ذاتیاشان، اعتقادیه یکی بودن منشأ انسان و انسانیت . آزادی عقیده و آزادی بیان.
- 14- تکیه بر اشتراکات زبانی، فرهنگی، مذهبی، دینی، انسانی و اخلاقی و احتراز از عوامل تنش زا و تعصب آمیز و افراطی .
- 15- تقویت ، گسترش تخصصی نمودن و تداوم بخشیدن به برنامههای مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی و شناساندن اندیشههای متعالی، وحدت بخش، عالمانه و رهائی بخش مقام معظم رهبری به مسلمانان ، جوانان و اندیشه ورزان جهان اسلام از طریق برنامهها و عملکردهای مدیرانهای که این کنفرانس در دستور کار خود به عهده دارد.

[1] الحضارة 1977 د. حسين مؤنس سلسلة عالم المعرفة. المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب. الكويت.

[2] تاريخ ويل دورانت جلد چهارم.

[3] ولايتي \_ بوياي فرهنگ و تمدن اسلامي \_ 1 ص 25 \_ 27.

[4] خدمات متقابل اسلام و ايران، ذبيح اله صفا 1371 .

[5] فصلنامه تاريخ اسلام ش 2 ، گوستاوليون تمدن اسلام و عرب.

[6] مقام معظم رهبري(مدتله العالي) ديدار با اقشار مختلف مردم 11/5/95.

[7] مقام معظم رهبري (مدتله العالي) در ديدار مسولان نظام و ميهمانان كنفرانس اسلامي 8/10/94.

[8] بيانات در ديدار ائمه جماعات مساجد استان تهران فيش هاي تمدن سازي نوين اسلامي.

[9] Ahmad.IAIUUNE3,2002/the RiseundFallofislamic.

[10] Abbdvllahi. Embi. M.r.B (2015) od Islamick

Evoluton of abstract veyetal ornaments.

[11] برخوردار تمدن ها و بازسازي نظم نوين جهاني .

[12] گوستاولويون تاريخ تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر ..... ص 702 .

[[13]] تاريخ تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر گيلاني 704.

[[14]] آلدوميه لي علوم اسلامي و نقش آن در تحول علمي جهان - ص 106.

[[15]] طقوش - 15 - 157 .

[[16]] طقوش 157 - 57 .

[[17]] محمد ابن ابراهيم شيباني اوراق مجموعه من حياه الشيخ الاسلام ابن تيميه كويت.

[[18]] ابن تيم جوزيه: عصره ومنهجه وآراوه في الفقه والعقائد والتصوف قاهره - 1387ق 1967.

[[19]] النبي المسلح- الثائرون 317..

[[20]] النبي المسلح:1: الرافضون 38 .

[[21]] النبي المسلح1 - الرافضون .

[[22]] النبي المسلح 1؟ الرافضون 135 .

[[23]] الحقيقة الغائبة الاعداد يوسف عبدمكي قاهره .

[[24]] العبري 2005، مارس 27.

[[25]] يازده سپتامبر آغاز عصري نو در سياست هاي - ترجمه حسين مرتضوي.

[[26]] گزارش گروه مطالعات عراق دسامبر 2006.

[[27]] فدوي عبدالقيوم 1381 - اسامه بن لادن و ما جراها.

([28]) گزارش گروه مطالعات عراق دسامبر 2006 .

([29]) گزارش بیگل هملتون دسامبر 2006 .

([30]) الحركات الاسلاميه في الوطن العربي اشراف عبدالغني بيروت.

([31]) مروان شحاده - تحولات الخطاب السلفي.

([32]) معجم مقاييس اللغه ، ج 5 - و191 مفردات و 433 - 434 .

([33]) ابيكار الافكار ، ج 5، ص 26 .

([34]) (آشوري: داريوش دا نشنامه سياسي.

([35]) عبدالباري عطوان، 2012 القاعده تنظيم سري، بيروت .

([36]) تخريب زيارتگاه اسلامي در كشورهاي عربي، احمد نامه ، قم دار الاعلام 1393 .

([37]) نصر حامد ابو زيد - چنين گفت ابن عربي ص 15 ، در ترجمه احسان موسوي خلخالي .